

## مقدمه

کانت در پیشگفتار *نقد عقل محض* فلسفه خود را با انقلاب کوپرنیک در نجوم مقایسه می‌کند (نک: کانت، ۱۳۹۴: ۴۸). فیثته در *بنیاد کل آموزه دانش* از «ریشه‌کن‌سازی کامل و واژگون‌سازی تمام‌عیار اسلوب‌های فکری مرسوم» (فیثته، ۱۳۹۵: ۵۵) و، بنابراین، از نوعی انقلاب در ساحت اندیشه سخن می‌گوید. شلینگ در رساله *در باب من به‌عنوان اصل فلسفه حال و هوای فلسفه* را گرگ و میش انقلابی قریب‌الوقوع در فلسفه و وصول انسان به وحدت نهایی توصیف می‌کند (Cf.: Schelling, 1980: 63-69) و هگل در *پیشگفتار پدیدارشناسی روح* از «آغاز یک روح نو» و «انقلابی پر دامنه» خبر می‌دهد (Hegel, 1977a: 7). مابین انتشار ویراست *نقد عقل محض* و *پدیدارشناسی روح* (یکی در سال ۱۷۸۱ و دیگری در سال ۱۸۰۷) تنها ۲۶ سال فاصله است؛ اما این ۲۶ سال در تاریخ فلسفه جایگاهی منحصر به فرد دارد. کانت، در این میان، دو نقد دیگر منتشر می‌کند؛ فیثته، با فراروی از ایدئالیسم استعلایی کانت، ایدئالیسم خاص خود را عرضه می‌کند و، با طرح ایده «آموزه دانش»، به سهم خود انقلابی در فلسفه به راه می‌اندازد. شلینگ جوان که در هجده سالگی نخستین رساله خود را منتشر کرده بود با انتشار کتاب *ایدئالیسم استعلایی انقلابی* در ایدئالیسم آلمانی به راه می‌اندازد و خود را در ۲۵ سالگی در قامت بزرگ‌ترین فیلسوف زنده آلمان و چه بسا اروپا نشان می‌دهد. هگل هفت سال بعد با انتشار کتاب *پدیدارشناسی روح* کل تاریخ فلسفه پس از خود را، با هر جهت‌گیری و گرایشی، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ایدئالیسم آلمانی را به اوج خود می‌رساند. اگر این عصر را عصر انقلاب‌ها بنامیم، ابدأ اغراق نکرده‌ایم. علاوه بر انقلاب‌های فکری مذکور، نخستین انقلاب مدرن سیاسی تاریخ دقیقاً در حد فاصل همین ۲۶ سال اتفاق می‌افتد. در سال ۱۷۸۹، یعنی دقیقاً سال میان انتشار *نقد دوم* و سوم کانت، فرانسویان خشمگین شاهشان را از تخت سلطنت به زیر کشیدند و بعدها سرش را از بدن جدا و روح انقلاب را به سرتاسر اروپا صادر کردند. هگل صفحات پایانی *پدیدارشناسی روح* را در حالی به پایان می‌برد که در دروازه‌های شهر ینا صدای صدور این انقلاب را از توپخانه ناپلئون می‌شنید که هگل او را جان جهان و وارث برحق انقلاب فرانسه می‌دانست. کتابی که پیش روی شماس، روایتگر ماجرای حرکت فلسفه مشخصاً در همین ۲۶ سال سرنوشت‌ساز است. به همین دلیل این کتاب با *نقد عقل محض* آغاز می‌شود و فصل نخست آن به فلسفه نظری کانت اختصاص دارد و در فصل آخر، هر چند طرحتی از کلیت فلسفه هگل ترسیم می‌کند و به آثار

مختلف او ارجاع می‌دهد، اما مشخصاً بر پدیدارشناسی روح متمرکز است. پس هدف از این کتاب ترسیم طرحی اجمالی از انقلاب بزرگ ایدئالیسم آلمانی است به کمک تحلیل آثار، نظرها و اظهارات چهار فیلسوف بزرگ و انقلابی در تاریخ فلسفه که، با فاصله کوتاهی از یکدیگر، هر کدام سهمی بسزا در این رخداد عظیم فلسفی ایفا کردند: کانت، فیخته، شلینگ و هگل.

این کتاب دو نویسنده دارد؛ اما این بدان معنا نیست که کل کتاب را هر دو نویسنده نوشته‌اند. علی‌رغم گفت‌وگوی انتقادی، جدی و مفصل نویسندگان درباره فصول و نوشته‌های یکدیگر، هر نویسنده تماماً مسئولیت فصولی را برعهده دارد که به نگارش درآورده است (فصول اول، دوم و ششم تألیف محمدمهدی اردبیلی و فصول سوم، چهارم و پنجم تألیف سیدمسعود حسینی). تجربه همکاری انتقادی در نگارش این اثر، علی‌رغم اختلاف نظرهای نویسندگان آن در شیوه نگارش، سنت فکری و حتی اصطلاح‌شناسی و منابع مورد استفاده (برای مثال، در این کتاب هر کدام از نویسندگان به ترجمه فارسی متفاوتی از کتاب *تقد عقل محض* - یا *سنجش خرد ناب* - کانت ارجاع داده‌اند)، نه تنها محل فرایند نگارش اثر نبوده است، بلکه امید است که به نوعی هم‌افزایی و همکاری سازنده، ولو انتقادی، منجر شده باشد.

باید خاطر نشان ساخت که این کتاب، علی‌رغم ارجاعات متعدد و عملکرد و سابقه پژوهشی نویسندگان آن، اساساً ماهیتی آموزشی دارد. این امر در سبک نگارش فصول و نیز تقدم و تأخر طرح مباحث نیز اثرگذار بوده است. فصول این کتاب به معنای دقیق کلمه مدخل‌هایی برای ورود به بحث هستند و، چنان که از یک مدخل انتظار می‌رود، هدف اصلی این فصول نه ایجاد توهم فهم تمام و کمال نزد مخاطبان، بلکه آماده‌سازی آنان برای مطالعه آثار اصلی فیلسوفان است. این اثر مانند نردبانی است که مخاطبان پس از بالا رفتن از آن، یعنی پس از آشنایی با کلیات اندیشه فیلسوفان مختلف ایدئالیسم آلمانی، باید آن را به کناری نهند و خود به کنکاش و مذاقه در آثار اصلی این متفکران مشغول شوند.

هر یک از فصول این کتاب فقط یک تفسیر است، نه کمتر نه بیشتر؛ به بیان دیگر، از یک سو، باید به خاطر داشت که هر کدام از تفسیرهای ارائه شده تنها یک دیدگاه در مواجهه با موضوع است و نویسندگان ابدأ دستخوش این توهم تمامیت خواهانه نیستند که این‌ها یگانه تفسیرهای موجود و صحیح‌اند؛ اما، از سوی دیگر، این بدان معنا نیست که تفسیرهای مندرج در این کتاب دلخواهی‌اند. این تفسیرها، چنان که مخاطب در نخستین مواجهه در خواهد یافت، قویاً بر متون اصلی خود فیلسوفان و شارحان مختلف مبتنی‌اند و، علی‌رغم حیث آموزشی، در کیفیت و کمیت ارجاع‌دهی دست کمی از مقالات و متون پژوهشی دست اول ندارند. علاوه بر این، ماهیت این اثر را نمی‌توان تنها به تألیف نقل قول‌ها و کنار هم نهادن تفسیرهای موجود

تقلیل داد. بلکه به جرئت می‌توان گفت که فصول شش‌گانه این کتاب حاصل نظرورزی‌ها و بازاندیشی‌های نویسندگان در طول سال‌های اخیرند و، در نتیجه، نهایتاً در عین ارجاعات متعدد تفسیر خود نویسندگان به شمار می‌روند؛ در نتیجه، به مخاطبان این تضمین را می‌دهیم که در این کتاب با تفسیرهای دسته اول و اصیل خود نویسندگان مواجه خواهند بود، تفسیرهایی که بعضاً هیچ کجا، و در هیچ زبانی، دست کم به این شکل طراحی و ارائه نشده‌اند.

در ارجاع به آثار فیلسوفان و شارحان آن‌ها حق تقدم با کتاب‌های فارسی بوده است. نویسندگان کتاب حاضر، برخلاف رسم رایج و ژست نادیده گرفتن منابع فارسی، عامدانه بر منابع فارسی تأکید داشته‌اند. اتخاذ این روش چند دلیل داشته است: اولاً، بنا به ماهیت آموزشی این متن و مخاطب هدف آن، روشن است که بخش اعظم مخاطبان این متن خواستار فهم فیلسوفان فوق‌الذکر در زبان فارسی هستند و، در نتیجه، باید ابتدا منابع فارسی موجود (چه ترجمه و چه تألیف) به آنان معرفی شود. ثانیاً، اگر مقاله یا کتابی به زبان فارسی منتشر شود و در آن هیچ ارجاعی به آثار منتشره به زبان فارسی وجود نداشته باشد، این نه نشانه قدرت نویسنده، بلکه نشانه ضعف و عدم اشراف وی در قبال آثار فارسی و نیز نشانه توهم خلق از عدم نزد نویسنده است. نویسنده فارسی باید در زبان فارسی زیست کند، با الزامات مخاطبان فارسی‌زبان آشنا باشد، به فارسی فکر کند و مفاهیم عمیق فلسفی را، فارغ از زبان مبدأشان، در زبان فارسی بازآرایی کند. اگر قرار باشد نویسنده‌ای در زبان فارسی زندگی نکند، همان بهتر که اثرش را به همان زبانی بنویسد که در آن می‌اندیشد و می‌زید. پر واضح است که ارجاع به آثاری که به فارسی ترجمه نشده‌اند یا ترجمه آن‌ها قابل استفاده نبوده است، به همان زبان اصلی صورت گرفته است. البته ترجمه‌های فارسی نیز در صورت لزوم، با هدف حفظ انسجام اصطلاح‌شناختی و نیز انتقال دقیق‌تر مطالب بعضاً جرح و تعدیل شده‌اند.

همچنین لازم است اشاره شود که، علی‌رغم آثار متعدد نویسندگان و مفسران فارسی‌زبان درباره کانت و هگل، تنها اثر تألیفی در زبان فارسی که مشخصاً به ایدئالیسم آلمانی اختصاص دارد و طرحی کلی از کانت، فیخته، شلینگ و هگل ارائه می‌دهد، اثری با همین نام از مرحوم ابوالقاسم ذاکرزاده است (ذاکرزاده، ۱۳۸۷) که، هرچند انتقادات و مناقشات جدی درباره آن مطرح است، اما به هر ترتیب نخستین گام در راهی بود که اثر حاضر بناست دومین گام آن باشد و امید است با گام‌های بیشتر و عمیق‌تری پی گرفته شود. همچنین آثار ارزشمند دیگری نیز درباره ایدئالیسم آلمانی به زبان فارسی ترجمه شده‌اند: یکی کتاب *فلسفه آلمانی: میراث ایدئالیسم* اثر تری پینکارد با ترجمه ندا قطروی (پینکارد، ۱۳۹۴) است و دیگری جلد ششم از تاریخ فلسفه راتلج، با عنوان *عصر ایدئالیسم آلمانی*، که به همت رابرت سی. سالمن و کتلین ام. هیگینز ویرایش و گردآوری شده و در سال ۱۳۹۵ دو ترجمه مختلف از آن، با فاصله‌ای اندک، به قلم

سیدمسعود حسینی (سالمن و هیگینز، ۱۳۹۵) و حسن مرتضوی (سولومون و هیگینز، ۱۳۹۵) از سوی دو ناشر متفاوت به چاپ رسیده است. همچنین اخیراً کتاب *ایدئالیسم آلمانی (راهنمای کمبریج)* اثر کارل آمریکس با ترجمه حسن مرتضوی منتشر شده است (آمریکس، ۱۳۹۸). کتاب حاضر در عین حال که از این آثار منقطع نیست و به برخی از آن‌ها توجه و ارجاع دارد، اما خود را از حیث سنت تفسیری مستقل از تمام آن‌ها تعریف کرده است.

این کتاب، به سفارش سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) نوشته شده است و مرحوم دکتر احمد احمدی طی جلسه‌ای که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ درباره این کتاب در دفتر ایشان برگزار شد، پس از مطالعه برخی مدخل‌ها، تذکرات و پیشنهادهایی نیز با تأکید بر وجه آموزشی اثر ارائه کردند. در نتیجه، لازم است سپاس و مسرت خود را از دو جهت ابراز کنیم: نخست اینکه، متولیان امر، با اذعان به جایگاه ایدئالیسم آلمانی، برخلاف رویه معمول، مجلدی مستقل را به شرح و تفسیر آن اختصاص داده‌اند. دوم اینکه، فرصت نگارش این اثر به مفسران جوان داده شده تا، در عین احترام به تمام اساتید این حوزه، با فراروی از تفسیرهای کلیشه‌ای از ایدئالیسم آلمانی، رویکردهایی نوآورانه‌تر و نقادانه‌تر ارائه دهند.

هرچند، قرار است این اثر به‌عنوان کتابی درسی در دسترس دانشجویان قرار گیرد، اما نویسندگان در نگارش کتاب به‌هیچ‌وجه مخاطب خود را به این قشر محدود نکرده‌اند، چرا که باور دارند هیچ کتابی را نمی‌توان به نحو بوروکراتیک و با دستور و بخش‌نامه به کتاب درسی بدل ساخت. مطالب کتاب باید به گونه‌ای باشد که دانشجویان و اساتید به خواست خودشان آن را به عنوان کتاب درسی برگزینند. در نتیجه، تمامی علاقه‌مندان فلسفه و ایدئالیسم آلمانی، از دانشجویان گرفته تا غیر دانشجویان، از مبتدیانی که خواستار آشنایی اولیه با ایدئالیسم آلمانی هستند تا متخصصانی که خواهان آشنایی با خوانش‌های فارسی تازه‌اند، جملگی در زمره مخاطبان این اثر قرار می‌گیرند. همان‌طور که اشاره شد، با ایدئالیسم آلمانی انقلابی بنیادین در اندیشه بشر روی داده که تمام مکاتب و فلسفه‌های پس از خود را تحت الشعاع قرار داده است. امروز هر شکلی از فهم فلسفی، بدون فهم -ولو نقادانه- این انقلاب و دستاوردهای نظری و عملی‌اش طی بیش از دو قرن گذشته، اساساً ناقص و نابسنده است. علاوه بر این، فهم هر کدام از این فیلسوفان نیز بدون نسبتشان با یکدیگر فهمی یک‌جانبه خواهد بود. فهم ابعاد مختلف این انقلاب فلسفی، و نیز فهم رویکردهای مختلف فیلسوفان دست‌اندرکار در آن، صرفاً در گرو فهم حرکت دیالکتیکی درونی آن‌ها به سوی یکدیگر است: از کانت به فیشته، از او به شلینگ، و نهایتاً از آن‌ها به هگل.